

◀ ارث و وصیت:

◀ قوانین حاکم بر ارث: قانون مدنی به عنوان قانون ماهوی.

قانون امور حسبی به عنوان قانون شکلی و آیین رسیدگی اداره و نحوه تقسیم ترکه.

◀ ترکه: دارایی به جای مانده از متوفی، اعم از دارایی مثبت و منفی. لذا دیون و تعهدات متوفی نیز داخل در دارایی اوست.

◀ ترکه تا قبل از تقسیم، دارای شخصیت حقوقی است. و مالکیت ورثه نسبت به آن مستقر (الحاق قطعی سهم الارث هر یک از ورثه را استقرار ترکه گویند) نیست، بلکه استقرار مالکیت منوط به پرداخت دیون متوفی است.

- ارث با موت حقیقی و فرضی محقق می شود.

- بازماندگان متوفی را ورثه گویند.

- متوفی را مُورَث می نامند.

- قواعد حاکم بر ارث آمرانه است. لذا توافق افراد بر خلاف این قواعد باطل و بلا اثر است. مثلاً نمی توان

توافق کرد فرض زوج را از $\frac{1}{2}$ به $\frac{1}{3}$ کاهش داد.

◀ م. ۸۶۱:

- موجبات ارث منحصر به دو مورد است: ۱- قرابت نسبی ۲- قرابت سببی. لذا سبب دیگری برای

توارث وجود ندارد.

- قرابت نسبی: خویشاوندی حاصل از تولد و خون.

- قرابت سببی: خویشاوندی حاصل از نکاح. که منحصرأً بین زوج و زوجه (زن و شوهر) برقرار است.

- فرزند رضاعی - فرزند خوانده - فرزند مصنوعی وارث پدر و مادر رضاعی - پدر و مادر خوانده نیستند.

- توارث به سبب قرابت سببی (ازدواج): ۱- فقط بین زن و شوهر برقرار می‌شود نه خویشاوندان زوجین

۲- فقط در عقد دائم (نه موقت) توارث برقرار است. (شرط توارث در نکاح موقت باطل و بلا اثر است)

- بین اولاد ناشی از نکاح دائم و موقت در توارث تفاوتی وجود ندارد. لذا فرزند حاصل از نکاح موقت

مانند فرزند ناشی از نکاح دائم وارث محسوب می‌شود.

م. ۸۶۲: طبقات وارثان نسبی را بیان میدارد.

- طبقه اول دو دسته هستند: ۱- پدر و مادر ۲- اولاد مستقیم (درجه یک)، اولاد غیر مستقیم (نوادگان)

لذا در طبقه اول: دسته اولاد از درجه یک مقصود هست تا بی‌نهایت

در طبقه دوم: دو دسته هستند: ۱- اجداد ۲- خواهر و برادر و اولاد آنها از درجه یک تا بی‌نهایت

در طبقه سوم: یک دسته هستند با درجات متعدد.

* - هر طبقه مانع ارث بری طبقات دیگر هست. با وجود طبقه مقدم، طبقه بعدی ارث نمی‌برد. تا زمانیکه

از طبقه اول وارثی باشد نوبت به طبقه دوم نمی‌رسد. لذا در قرابت نسبی نظام طبقاتی حاکم است.

- درجات نیز مانع ارث بری یکدیگر هستند. تا از درجه یک وارثی زنده و موجود باشد، نوبت به وارث

درجه دو و غیره نمی‌رسد. لذا با وجود فرزند برای متوفی، نوهی متوفی ارث نمی‌برد.

* در هر طبقه، دسته‌ها مانع ارث بری همدیگر نیستند. لذا در طبقه اول دسته پدر و مادر متوفی، در کنار

اولاد متوفی با هم ارث می‌برند. و اولاد متوفی، پدر و مادر متوفی را از ارث محروم نمیکند.

- طبقه دوم نیز اجداد متوفی در کنار خواهر و برادر متوفی با هم سهم الارث خود را خواهند برد.

- در طبقه دوم منظور از اجداد: اجداد مستقیم و غیر مستقیم (اجداد پدر و مادر ، اجدادِ اجدادِ متوفی) متوفی است.

- در طبقه سوم نیز مقصود از اعمام و عمات، احوال و خالات اعم از اعمام و احوال مستقیم و غیر مستقیم متوفی است.

م. ۸۶۴: - زوج و زوجه به سبب (قرابت سببی) ارث می‌برند.

- زوجین مطلقاً حاجب حرمانی ندارند : هیچ وارثی در هیچ طبقه، درجه و دسته‌ای، زوجین را از اصل ارث محروم نمی‌کند.

- هر یک از زوجین در صورتی از دیگری ارث می‌برد که:

۱- در حین فوت دیگری زنده باشد.

۲- اختصاص به نکاح دائم دارد.

۳- فوت حین نکاح اتفاق افتاده باشد.

- فوت در ایام عده رجعی: زن در ایام عده رجعی در حکم زن شوهردار است، لذا فوت زوجین در این ایام مانع توارث نیست و زوجین از هم ارث می‌برند.

- در سایر اقسام طلاق از جمله طلاق بائن و طلاق به حکم دادگاه، به محض وقوع طلاق رابطه منحل و لذا با فوت طرفین در ایام عده نیز ارث بری بین زوجین (نه فرزندان) متفی خواهد بود. (طلاق زن و شوهر نسبت به ارث بردن فرزندان از پدر و مادر مطلقه تأثیر ندارد. جدایی پدر و مادر بر ارث بردن فرزندان از پدر و مادر اثر ندارد).

م. ۸۶۷: زمان تحقق ارث:

زمان فوت مورث است. با فوت، مسئله ارث محقق می‌شود. لذا تقسیم اموال در زمان حیات مالک، ارث محسوب نمی‌شود.

- مکان تحقق ارث: آخرین اقامتگاه متوفی در ایران. اگر آخرین اقامتگاه نداشته: آخرین محل سکونت موقت او در ایران مکان تحقق ارث است. و در غیر این صورت محل وقوع ترکه و تعیین آن از جهت تعیین دادگاه صالح مؤثر است. مثلاً آخرین اقامتگاه متوفی در ایران صالح به رسیدگی نسبت به مساله ارث است.
- با تحقق فوت، مالکیت ورثه نسبت به ترکه قهراً (به حکم قانون) محقق می‌شود اما این مالکیت برای استقرار و قطعی شدن سهم هر کدام از ورثه یک شرط دارد: پرداخت دیون متوفی.

لذا تقسیم ترکه قبل از پرداخت بدهی‌های متوفی باعث می‌شود که طلبکاران متوفی بتوانند این تقسیم را به هم بزنند و طلب خود را از محل سهم الارث ورثه مطالبه نمایند.

م. ۸۶۹: ترتیب تقسیم ارث:

- ۱- هزینه کفن و دفن متوفی
- ۲- صاحبان حقوق عینی (مانند صاحب حق رهن و وثیقه)
- ۳- واجبات مالی: خمس و زکات و نماز و روزه قضا
- ۴- صاحبان دیون عادی مانند طلبکار مستند به چک و سفته. یا مهریه زن. یا حقوق کارمندان متوفی.
- ۵- وصیت متوفی تا $\frac{1}{3}$ لازم الاجرا است. بیشتر از $\frac{1}{3}$ موکول به اجازه ورثه است. ($\frac{1}{3}$ دارایی متوفی در زمان فوت، نه زمان وصیت)

معامله وارثان نسبت به ترکه تا قبل از پرداخت بدهی‌های متوفی غیر نافذ است. حکم غیر نافذ بودن متوجه طلبکاران متوفی است. نه ورثه و طرف معامله.

- م. ۸۷۳: شرط توارث: زنده بودن وارث حین فوت مورث است. حالت‌های مختلف جهل نسبت به فوت یا حیات وارث و مورث:

۱- فوت یکی معلوم + فوت دیگری مجهول :

طبق اصل تأخر حادث آن کسی که تاریخ فوتش مجهول است، اخیراً فوت کرده (اخیراً حادث شده است): مجهول از معلوم ارث می‌برد. ← م. ۸۷۴

۲- تقدم فوت یکی بر دیگری معلوم باشد:

کسی که اخیراً فوت کرده وارث محسوب می‌شود و از متوفی با فوت مقدم ارث می‌برد.

۳- تقارن / اقتران فوت هر دو نفر مسلّم باشد: ما یقین داریم که هر دو در یک زمان / لحظه فوت کرده‌اند: توارث بین این دو نفر متفیی است و از هم ارث نمی‌برند.

۴- فوت هر دو مجهول است: قاعده این است که هیچکدام از هم ارث نمی‌برند.

استثناء: فوت دو نفر مجهول است، اما فوت بواسطه غرق شدن یا هدم (مثل زیر آوار ماندن) باشد: از هم ارث می‌برند.

نکته: اگر فوت دو نفر که از هم ارث می‌برند در یک حادثه مثل غرق شدن همزمان اتفاق بیفتد و ما نسبت به همزمان بودن فوت آنها یقین داشته باشیم و یا نسبت به تقدم و تأخر فوت آنها یقین داشته باشیم به همان قاعده عمل می‌کنیم نه استثناء.

◀ شرایط توارث استثنایی:

- ۱- سبب فوت هم مرگ ها حادثه خارجی باشد نه داخلی مثل سگته.
- ۲- سبب فوت هم مرگ ها واحد و مشترک باشد نه متعدد .
مثلاً یکی بواسطه سقوط و دیگری بواسطه غرق شدن فوت کند، مشمول استثناء نمی شود ← وحدت حادثه سبب فوت، شرط است.
- ۳- جهل نسبت به تاریخ فوت همه متوفیان. تقدم و تأخر فوت متوفیان مجهول باشد.
- ۴- وجود حالت توارث بین هم مرگ ها. مثلاً دو نفر که هیچ گونه قرابت نسبی / خویشاوندی با هم ندارند و فقط مثلاً دوست هستند، با هم در یک حادثه غرق شوند مشمول این حکم نمی شوند. زیرا در حالت عادی نیز آنها وارث یکدیگر محسوب نمی شوند.

◀ م. ۸۷۵: شروط ارث بردن : ۱- فوت مورث ۲- زنده بودن وارث در لحظه فوت مورث

- شرایط ارث بردن حمل (جنین) ۱- وجود جنین در زمان فوت مورث است. در هنگام فوت مورث، حداقل نطفه جنین تشکیل شده باشد. ۲- زنده متولد شدن جنین: صرف زنده متولد شدن کافی است حتی اگر لحظاتی پس از فوت از بین برود.

◀ م. ۸۷۶:

در مورد جنین اصل بر عدم حیات اوست. یعنی اصل بر این است که جنین زنده متولد نشده است. لذا باید زنده متولد شدن جنین برای ما مسلم و قطعی باشد.

◀ م. ۸۷۸: نحوه تقسیم ترکه با وجود حمل

- ۱- جنین / حمل، حاجب حرمانی است.

۲- جنین / حمل، حاجب نقصانی است.

- در فرض اول جنین/حمل حاجب حرمانی است: چون با تولد جنین تمام یا بعضی از وارثان از ارث

محروم می‌شوند، تا قبل از تولد جنین ارث قابل تقسیم نخواهد بود.

مثلاً تولد فرزند برای متوفی باعث محروم شدن خواهر و برادر متوفی از اصل ارث می‌شود. لذا این ارث

تقسیم نمی‌شود تا تکلیف جنین روشن شود.

- فرض دوم جنین/ حمل حاجب نقصانی است: جنین در صورت زنده متولد شدن فقط سهم الارث ورثه

را کم میکند، در این حالت اگر ورثه خواهان تقسیم باشند، برای حمل سهم دو پسر از همان طبقه را برای

او کنار گذاشته و بقیه را بین سایر ورثه تقسیم میکنند. بدیهی است اگر به کمک علم روز، جنسیت و تعداد

جنین مشخص باشد همان سهم الارث مقرر قانونی برایشان محفوظ می‌ماند نه سهم دوپسر.

مثلاً مسلم باشد که جنین دوقلو دختر باشند: سهم دو دختر را نگه میدارند. مسلم باشد جنین سه قلو پسر

باشد سهم سه پسر را نگه میدارند.

م. ۸۷۹: تقسیم ترکه در صورت غیبت یکی از ورثا:

در هر مورد که بین وارثان محجور یا غایبی باشد: تقسیم حتماً باید در دادگاه انجام شود با حضور نماینده

غایب یا محجور (ولی، قیم، وصی، امین) ← تراضی وارثان به تقسیم مؤثر نخواهد بود.

- امکان تقسیم ترکه در فرضی که بین وارثان غایب یا محجوری باشد، وجود دارد، اما اولاً این تقسیم باید

در دادگاه انجام شود، ثانیاً سهم غایب و یا محجور کنار گذاشته شود.

م. ۸۸۰:

- قتل عمدی از موانع ارث است. و قاتل از کل ارث (دیه و غیر آن) محروم است.

- قتل عمدی باید به مباشرت یا به شرکت یا به تسبیب اتفاق افتاده باشد. معاونت در قتل عمد مانع ارث بردن نیست.

- در قتل غیر عمدی و خطای محض، قاتل فقط از دیه ای که به مقتول می‌پردازد ارث نمی‌برد. اما از سایر ماترک ارث می‌برد.

◀ م. ۴۵۱ ق. م. ۱.

- سقط جنین بصورت عمدی قتل نیست، اما از جهت مانع شدن از ارث همانند قتل عمد است. ◀ اگر قاتل به قصد تملک سهم جنین مرتکب سقط جنین شود از ارث او محروم می‌شود. ◀ ماده ۸۵۲ ق. م.

- قتل حاجب مشمول ماده نمی‌شود حتی اگر بصورت عمدی باشد. لذا اگر شخصی حاجب از اصل ارث را به انگیزه ارث بردن بکشد، قتل عمد این حاجب مانع ارث بردن قاتل از مورث نمی‌شود. مثال: فرزندی مرتکب قتل عمد پدر خود شود با این انگیزه که سهم الارث پدر خود از پدر بزرگ را تصاحب نماید. پدر حاجب فرزند است. قتل عمد این پدر توسط فرزند مانع ارث بردن فرزند قاتل از پدر بزرگ (مورث) نمی‌شود. (البته نظر مخالف نیز وجود دارد. نظر مشهور این است که قتل حاجب مانع ارث نیست).

◀ م. ۸۸۱:

ارتکاب قتل عمد به حکم قانون (مانند قصاص) و یا در موارد دفاع مشروع، مشمول ماده ۸۸۰ نمی‌شود.

- ارتکاب قتل عمد توسط صغیر و مجنون خطای محض محسوب می‌شود. لذا صغیر و مجنون مرتکب قتل عمدی شوند فقط از دیه‌ای که توسط عاقله ایشان پرداخت می‌شود محروم خواهند بود.

◀ م. ۸۸۱ : کفر از موانع ارث است.

- از موانع شخصی است و فقط کافر را از بردن ارث محروم میکند اما شامل حال سایرین نخواهد شد. مثلاً پدر کافر باشد به علت کفر، از ارث مورث مسلمان محروم می‌شود. اما فرزند مسلمان خود را از ارث مورث محروم نمیکند. اثر شخصی بودن قتل و کفر این است که فقط به قاتل سرایت میکند و به اولاد و سایر وراث سرایت نمیکند.

◀ م. ۸۸۱ مکرر:

- کافر از مسلمان ارث نمی‌برد حتی اگر هیچ وارثی نداشته باشد.

- مسلمان از کافر ارث می‌برد. مسلمان در طبقه و درجه پایین‌تر باشد. کافر در طبقه و درجه مقدم باشد.

مسلمان ارث می‌برد. در نتیجه: اگر فرزند مسلمانی، کافر شود و نواده‌های او مسلمان باشند، نواده‌ها از پدر بزرگ ارث می‌برند. ← پدر کافر، حاجب فرزندان مسلمان خود نیست. برادر کافر، حاجب برادرزادگان مسلمان نیست.

◀ م. ۸۸۲ : لعان در دو مورد کاربرد دارد: ۱- قذف زوجه ۲- نفی ولد

لعان در هر دو مورد توارث بین زن و شوهر را از بین می‌برد، در نتیجه لعان اعم از آنکه برای قذف باشد یا برای نفی فرزند، ارث بردن بین زن و شوهر منتفی می‌شود.

اما لعان در صورتی سبب نفی توارث بین پدر و فرزند می‌شود، که لعان برای نفی ولد اقامه شده باشد. لذا در لعان به منظور نفی ولد، رابطه نسبی بین فرزند با پدر منتفی خواهد شد، توارث بین آنها نیز منتفی می‌شود.

لعان سبب انتفای توارث بین فرزند با مادر و خویشان مادری نخواهد شد. لذا فرزند همچنان منسوب به مادر و خویشان مادری خواهد بود و توارث بین آنها برقرار است.

◀ م. ۸۸۳: رجوع پدر از لعان ← ۱- فقط فرزند از پدر ارث می‌برد.

۲- پدر بعد از رجوع از فرزند ارث نمی‌برد.

۳- توارث بین فرزند و خویشان پدری مانند پدربزرگ همچنان منتفی است حتی بعد از رجوع از لعان.

◀ م. ۸۸۴:

فرزند ناشی از رابطه حرام (فرزند نامشروع یا طبیعی) وارث پدر و مادر طبیعی خود نخواهد بود و بالعکس.

- نسبت فرزند با یکی از والدین حرام و نسبت به دیگری به شبهه و یا اکراه و اجبار باشد توارث در مورد شبهه و اکراه و اجبار برقرار است.

* لعان و ولادت از حرام: از موانعی است که علاوه بر نسل اول بر سایر نسل‌ها نیز اثر می‌گذارد و بر

خلاف قتل و کفر مانع شخصی نیست. مثلاً فرزند حرام علاوه بر این که خودش از پدر و مادر طبیعی

خویش ارث نمی‌برد، مانع ارث بردن فرزندان خود از پدربزرگ و مادربزرگ طبیعی شان نیز خواهند بود.

الف: فرزند طبیعی ج + د

و + هـ فرزندان مشروع الف هستند.

الف از ج + د (پدر و مادر طبیعی خود) ارث نمی‌برد. و هـ (فرزندان الف) نیز از ج + د ارث نمی‌برند. اما

توارث بین الف با و + هـ برقرار هست زیرا ایشان فرزندان مشروع الف هستند.

◀ م. ۸۸۶: حجب ← در حقوق ارثیه، به معنی مانع می‌باشد.

بر دو قسم است: ۱- حاجب حرمانی: حاجبی که وارث یا وارثان دیگر را از اصل ارث محروم نماید.

مثال: تا زمانی که متوفی دارای فرزند باشد، خواهر و برادر متوفی از ارث محروم خواهند بود. یا پدر و مادر متوفی حاجب حرمانی (محروم کننده) اجداد متوفی از اصل ارث می‌باشند.

۲- حاجب نقصانی: وارثی که سهم برخی یا همه وارثان را از بالاترین حد به پایین‌تر حد آن کاهش می‌دهد. مثال؛ با بودن فرزند برای متوفی، پدر و مادر متوفی پایین‌ترین حد فرض خود را می‌برند. یا اگر متوفی زوجه باشد و فرزند نیز داشته باشد. زوج پایین‌ترین حد خود یعنی $\frac{1}{4}$ را می‌برد.

طبقه اول حاجب حرمانی طبقه دوم و سوم است.

در طبقه اول فرزندان متوفی حاجب نقصانی والدین متوفی هستند. در طبقه دوم اجداد و خواهر برادر متوفی حاجب نقصانی یکدیگر محسوب می‌شوند. حاجبان نقصانی در ق. م عبارتند از اولاد و اخوه متوفی

- درجات، حاجب حرمانی یکدیگر محسوب می‌شوند. درجه اول حاجب حرمانی درجه دوم و به همین ترتیب خواهد بود.

◀ م. ۸۸۸: وراثت به قائم مقامی.

شرایط : ۱- از صنف نسل بیواسطه کسی زنده نباشد.

متوفی ← فرزند (نسل بیواسطه) ← فرزندان (نسل با واسطه) فرزند (نوادگان به واسطه والدین خود با متوفی قرابت دارند)

۲- قائم مقام باید نزدیک‌ترین نسل به نسل بیواسطه (پدر یا مادر) باشد.

فرزند ← نوه را، نوه ← نتیجه را، نتیجه ← نبیره را و از ارث محروم می‌سازد.

۳- قائم مقام ممنوع از ارث نباشد. نوه‌ای که پدر بزرگ خود را به قتل عمد کشته باشد، به قائم مقامی پدر خود از پدر بزرگ ارث نمی‌برد.

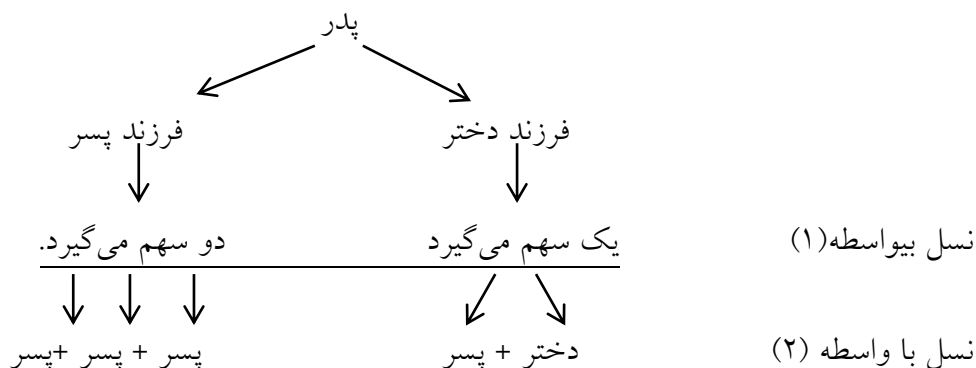
۴- نسل واسطه نیز وصف وراثت را نسبت به متوفی داشته باشد. و ممنوع از ارث نباشد. ← اثبات ولادت از حرام و تحقق لعان، صفت وراثت را از نسل واسطه (پدر یا مادر) سلب میکند ← قائم مقام نیز در زمره وارثان نخواهد بود.

- در قتل و کفرِ نسل واسطه، ممنوعیت از ارث نسبت به نسل با واسطه اثر ندارد.

۵- نسل واسطه (پدر یا مادر) باید قبل از مورث مرده باشد.

- اثر مهم ارث بردن به قائم مقامی: قائم مقامان سهم نسل واسطه را تملک میکنند و برای تعیین سهم قائم مقامان، نسل واسطه را زننده فرض کرده و سهم نسل واسطه که حسب مورد پدر یا مادر است را به فرزندانسان میدهیم. در نتیجه نوادگان پسری متوفی سهم بیشتری از نوادگان دختری متوفی دریافت میدارند.

*** در قائم مقامی فرزندان نسل واسطه، قائم مقام والدین خود هستند:**



اگر نسل یک فوت کند و ثانیاً پدر فوت کند. نسل باواسطه (۲) به قائم مقامی نسل (۱) ارث پدر را می‌برند لذا همان یک سهم که به دختر در نسل (۱) رسیده به فرزندان او در نسل (۲) یعنی دختر و پسر میرسد که نسبت ۲ به ۱ بین خود تقسیم میکنند و دو سهمی که در حالت عادی به فرزند پسر در نسل ۱ میرسد به فرزندان او که سه پسر هستند میرسد و همان را به طور مساوی تقسیم میکنند.

*** زوج و زوجه قائم مقام نیستند بلکه خود وارث مستقیم هستند.**

صفت قائم مقامی فقط در مورد خویشان نسبی و آن هم در مورد والدین با فرزندان مطرح می شود.

◀ م. ۸۹۱: وارثان مذکور در این ماده حاجب حرمانی ندارند. اما حاجب نقصانی دارند.

تعریف رد: با جمع دو شرط، مسئله رد مطرح می شود:

۱- همه وارثان فرض بر باشند.

۲- بعد از پرداخت سهم الارث صاحبان فرض، از ترکه اضافه بیاید.

← اگر در مسئله قرابت بر مانند پسر وجود داشته باشد. بحث رد مطرح نمی شود زیرا هر چه اضافه آمد به

قرابت بر داده می شود. بعد از تعیین و منظور کردن میزان فرض قانونی فرض برها، اگر مقداری از ترکه

همچنان اضافه آمد به نسبت فرض صاحبان فرض، باقیمانده را به آنها رد خواهیم کرد.

مثال: وراثت محدود هستند به پدر و یک دختر.

فرض پدر $\frac{1}{6}$ و فرض دختر $\frac{1}{2}$ خواهد بود.

باقیمانده ترکه $\frac{2}{6}$ خواهد بود. این باقیمانده را به نسبت فرض $\frac{1}{2}$ و $\frac{1}{6}$ به دختر و پدر رد خواهیم کرد نه بطور

مساوی یا نسبت ۲ به ۱ بلکه به نسبت فرض آنها رد می شود.

وصیت:

اقسام وصیت: تملیکی و عهده

-وصیت تملیکی: تملیک عین یا منفعت از اموال خود، برای بعد از فوت خود، بصورت مجانی. وصیت

تملیکی معلق به فوت است. تحقق آن منوط به فوت موصی است. با فوت موصی تملیک محقق می شود.

حال اگر کسی وصیت کرد، اموال او را بفروشد یا اجاره دهند و ماحصل را به طریق خاصی مصرف نمایند،

این وصیت تملیکی نیست. و تملیک با وصیت و فوت او محقق نمی شود ، بلکه تملیک توسط وارثان یا وصی صورت می گیرد.

وصیت تملیکی سه رکن دارد: موصی (وصیت کننده)

موصی^۱ له (کسی که به نفع او وصیت شده است)

موصی^۲ به (مال موضوع وصیت)

وصیت تملیکی بر دو قسم است:

۱- بر محصور عقد است و مستلزم قبول موصی له . با قبول موصی له عقد واقع می شود.

در وصیت تملیکی قبض شرط لزوم عقد است. با قبول و قبض عقد لازم، مالکیت موصی^۳ له مستقر و عقد غیرقابل رجوع خواهد شد.

م. ۸۲۹ زمان تاثیر قبول و رد: بعد از فوت است. زیرا این نوع وصیت معلق به فوت است. در قبول قبل از فوت ، امکان رجوع توسط هر یک از موصی و موصی^۴ له وجود دارد. قبول + فوت موثر است. سوال: فاصله فوت تا قبول ، مثلاً سه ماه باشد. قبول و قبض باعث تملیک از زمان قبول است نه از زمان فوت.

-قبل از فوت قبول کند ← می تواند بعد از فوت آن را رد کند.

-قبل از فوت رد کند ← بعد از فوت می تواند آن را قبول کند.

-بعد از فوت قبول و قبض کند ← دیگر اجازه رد ندارد.

فوت موصی^۵ له قبل از قبول ← حق قبول به ارث نمی رسد (نظر مخالف نیز وجود دارد) استدلال موافقین این است که تا قبل از قبول ، تملیکی صورت نگرفته است. برای تملیک باید قبول موصی^۶ له ضمیمه ایجاب موصی شود. با فوت او ایجاب از بین می رود و قبول به ارث نمی رسد.

م. ۸۳۱: وصیت برای محجور ← رد یا قبول با ولی خواهد بود.

۲- بر غیر محصور یا بر جهت. ایقاع است و نیازمند قبول موصی له نمی باشد.

م. ۸۳۴: وصیت عهدی دو طرف دارد. موصی + وصی. ایقاع است و نیازمند قبول وصی نمی باشد. وصی می

تواند در ایام حیات موصی وصیت را رد نماید. اگر در ایام حیات ، وصیت را رد نکرد ، بعد از فوت حق

رد وصیت را ندارد ، حتی اگر جاهل به وصیت باشد. ید وصی نسبت به اموال موصی ید امانی است . امین

مسئول نیست مگر مرتکب تقصیر (تعدی و تفریط) شود. با ارتکاب تقصیر ید امانی او به ید ضمانی تبدیل

و مطلقاً مسئول جبران خواهد بود.

اوصاف موصی : اهلیت استیفا کافی است. نیازمند اختیار/تصرف قانونی نیست. لذا ورشکسته نیز حق

وصیت دارد. وصیت قائم به شخص است ، لذا قیم و سرپرست محجور نمی تواند به نمایندگی از محجور

وصیت نماید. وصیت تملیکی از سوی محجور، باطل است، محجور نمی تواند به موجب وصیت ، مال

خود را به دیگری تملیک نماید.

شخصی که وارث ندارد ، می تواند نسبت به کل ترکه خود وصیت کند. و تمام آن لازم الاجراست.

نسبت به مالی که قابلیت تعیین در آینده را دارد ، می توان وصیت کرد . مثلاً مالک می تواند نسبت به

محصول باغات خود وصیت نماید اگر چه در زمان وصیت آن محصول حاصل نشده باشد.

مواد ۸۲۵ الی ۹۴۹ قانون مدنی.